

Examining the principle of sanctity of Muslim life in the political thought of Imam Khomeini By looking at the deviation of the correct narration in the issue of the conflict between evidence and confession in intentional murder

Zahra Rayat RoknAbadi

Ph.D. in Jurisprudence and fundamentals of law and thought of Imam Khomeini,
Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran

zroknabadi@gmail.com

Zahra Vatani

Assistant Professor of Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution,
Tehran, Iran

zh_vatani@hotmail.com

Article Info	Abstract
<p>Received: 28 November 2023</p> <p>Accepted: 3 January 2023</p>	<p>One of the most important manifestations of the content of authentic narrations in the opinions of Imam Khomeini is where the witnesses testify against someone for intentional murder and another person also confesses that he killed the same victim intentionally. This research, which is written in a descriptive-analytical method and referring to library sources, deals with the position of symptoms in the narration of Zorare from Imam Baqir in the mentioned subject based on the opinion of Imam Khomeini. The result is that caution required and non-aggression on blood required are the two fundamental elements that Imam Khomeini presented in this issue. This multi-component attitude has caused him to not issue a fatwa in accordance with the content of the mentioned narration, even though he considered Zorare's narration to be correct and paid attention to the practice of jurists, and as a result, the contents of Zorare's narration were rejected. The consequent effect on these symptoms is that there is a huge difference between the opinion of Imam Khomeini and other jurists on the issue of the conflict of evidence and confession in intentional murder. The jurisprudence of Imam Khomeini in this issue has an influence on the principle of sanctity of the Muslim life in his political thought.</p> <p>Keywords: Conflict between confession and evidence, intentional murder, Zorare's narration, deviation, Imam Khomeini (RA), inadmissibility of revenge, caution, sanctity of Muslim life.</p>

بررسی اصل حرمت جان مسلمان در اندیشه سیاسی امام خمینی با نگاهی به اعراض از روایت صحیح در مسئله تعارض بین و اقرار در قتل عمدی

زهرا رعیت رکن آبادی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

zrrokhabadi@gmail.com

زهرا وطنی

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

zh_vatani@hotmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>تاریخ دریافت: ۶ آبان ۱۴۰۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۳ دی ۱۴۰۲</p> <p>صفحات ۱۰۶-۸۱</p>	<p>یکی از جلوه‌های بسیار مهم اعراض از مضمون روایات صحیح در آرای امام خمینی جایی است که شهود بر علیه شخصی به قتل عمدی شهادت می‌دهند و شخص دیگری نیز اقرار می‌کند که همان مقتول را عمداً به قتل رسانده است. این پژوهش به روش اسنادی به جایگاه اعراض از روایت زراره از امام باقر^(ع) در موضوع مذکور بر اساس نظر امام خمینی پرداخته است. نتیجه آن است که وجوب احتیاط و وجوب عدم تهجم بر دماء دو مؤلفه بنیادینی است که امام خمینی آن‌ها را در این مسئله بیان کرده‌اند. این نگرش چند مؤلفه‌ای باعث شده است که بین نظر امام خمینی و سایر فقها در مسئله تعارض بین و اقرار در قتل عمدی تفاوت شگرفی وجود داشته باشد. در این باره، با توجه به اهمیت دماء در موضوع یادشده، رویکرد امام خمینی به گونه‌ای است که فتوا دادن بر اساس روایت زراره را نمی‌پذیرد و قصاص مشهود علیّه یا مقر را جایز نمی‌دانند، هرچند به صحیح بودن سند آن روایت و همچنین عمل فقها به آن تصریح نموده‌اند. رویکرد مذکور بر مبنای تقدم احتیاط در دماء بر روایت زراره است. با این حال، سایر فقها جواز قصاص را امکان‌پذیر دانسته‌اند و فتوای آنان با روایت زراره هماهنگ است.</p> <p>واژگان کلیدی: تعارض اقرار و بینة شرعی، روایت زراره، امام خمینی، حرمت جان مسلمان.</p>

جایگاه روایات در استنباط احکام شرعی از زوایای مختلفی قابل بررسی و تحلیل است. از یک سو، روایات به عنوان دلیل یک فتوا به شمار می آیند و از سوی دیگر، رویکرد برخی از فقیهان به گونه ای است که بر عدم پذیرش برخی از روایات در فرایند اجتهاد دلالت می کند. در این راستا، اصولاً عدم تمسک به مضمون روایت در دو چهارچوب مختلف جای می گیرد: اولاً، ممکن است که سند روایت قابل مناقشه باشد و حسب مورد نسبت به یک یا چند نفر از راویانی که در سلسله سند روایت وجود دارند، نقدهایی مطرح شوند که اتقان و استحکام سندی روایت را با چالش همراه کند. بر این اساس، اگر سند روایتی ضعیف باشد، مجالی برای استناد به آن در فرایند اجتهاد فراهم نمی شود؛

ثانیاً، ممکن است روایت از لحاظ سندی غیرقابل طعن باشد و راویان مندرج در سلسله سند جزء راویان قابل اعتماد باشند، اما عدم تمسک به مضمون روایت بر پایه سند روایت نباشد و اعراض از مفاد روایت دارای منشأیی غیر از سند روایت باشد.

یکی از مصادیق اعراض از روایت صحیح از سوی امام خمینی فرعی است که ادله بینه و اقرار به عنوان دلیل اثبات قتل عمدی تعارض داشته باشند. امام خمینی سند روایت زراره از امام باقر^(ع) را صحیح می داند و به این نکته نیز اشاره می کند فقها به روایت مذکور عمل کرده اند.^۱ در این خصوص، دو مقوله «چرایی اعراض» از روایت زراره و «اثر مترتب بر اعراض» بستری را برای بررسی مستقل نظر امام خمینی فراهم می کند؛ زیرا نکته قابل توجه در این موضوع آن است که نظر امام خمینی با نظر سایر فقیهان متفاوت است.

۱. «فی روایة صحیحة عمل بها» (امام خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۵۶۲).

در این زمینه، چند پرسش مطرح می‌شود: پرسش اول آن که امام خمینی چه دلیلی را بر روایت زراره مقدم دانسته‌اند که فتوای ایشان با روایت زراره هماهنگ نیست؟ پرسش دیگر آن است که اساساً احکام فقهی که با امور کیفری ارتباط دارند، چه نقشی را در اندیشه سیاسی و تشکیل حکومت ایفا می‌کنند و آن‌ها چه کاربردی در این زمینه دارند؟ بر این اساس، اهتمام به این مسئله و بررسی آن بدین روش حاصل می‌آید که روش اسنادی در انجام پژوهش به کار گرفته شود؛ لذا، ابتدا بر اساس منابع معتبر فقهی اهم مطالب مرتبط با روایت زراره از امام باقر^(ع) مطرح شده و سپس گزارشی از آرای فقها در خصوص موضوع تعارض بینه شرعی و اقرار در قتل عمدی ارائه می‌گردد. پس از شناخت روایت زراره و دیدگاه‌های فقهی، دیدگاه خاص امام خمینی برجسته می‌شود و در پایان نیز به ارتباط فتوای امام خمینی با اصل حرمت دماء اشاره می‌گردد.

۱. پیشینه پژوهش

هرچند به طور کلی در برخی تألیفات به ارتباط مبانی فقهی امام خمینی با اندیشه سیاسی اشاره شده است، اما پژوهشی که به طور مصداقی به بررسی نظر فقهی امام خمینی در یکی از مسئله‌های فقه جزایی و نقش آن در اندیشه سیاسی ایشان بپردازد، وجود ندارد (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۰۱-۲۰۲؛ فوزی، ۱۳۹۹: ۸۶). در پژوهشی با عنوان «تعارض بینه و اقرار در جرم قتل عمد» (فرهودی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۷۴) به تعارض ادله‌ی اثبات در قتل عمدی پرداخته شده است که متفاوت از موضوع نوشتار فرارو است. نکته مهم در خصوص این پژوهش آن است که نظر فقهی امام خمینی نیز مورد بررسی قرار نگرفته است و از این حیث دچار خلأ است، حال آن که در پژوهش حاضر به نظر امام خمینی توجه می‌شود. مقاله «ضرورت برابری در خون‌خواهی در فقه سیاسی با تأکید بر مبانی امام خمینی» (خانی و روزبهانی، ۱۴۰۱: ۳۳-۵۶)،

از جمله تألیفاتی است که در راستای بیان ارتباط دیدگاه فقهی امام خمینی و فقه سیاسی تدوین یافته است و کاربرد نظرات فقهی امام خمینی در امور کیفری برای فقه سیاسی را بیان می‌کند و موضوع آن متفاوت از رویکرد نوشتار حاضر است.

در پژوهش حاضر، اولاً رویکرد فقهی امام خمینی در خصوص مسئله تعارض بینة و اقرار در قتل عمدی که مخالف با نظر مشهور فقها است، برجسته می‌شود و نکته مهم در اجتهاد امام خمینی آن است که فتوای ایشان به گونه‌ای است که بر اعراض از روایت صحیح زراره از امام باقر^(ع) دلالت می‌کند، حال آن که بسیاری از فقها بر طبق این روایت فتوا داده‌اند؛ ثانیاً با توجه به این که دیدگاه‌های فقهی امام خمینی در اندیشه‌های سیاسی ایشان تأثیرگذار است، تلاش می‌شود که ارتباط فتوای امام خمینی مبنی بر سقوط قصاص در فرض تعارض بینة و اقرار در قتل عمدی با اصل حرمت دماء در اندیشه سیاسی امام خمینی نشان داده شود.

۲. شناخت گزاره‌های مهم روایت زراره

روایت زراره از امام باقر^(ع) که روایت مرجع این پژوهش است محورهای مختلفی را در برمی‌گیرد.^۱ بر اساس روایت مذکور، مردی مرتکب قتل می‌شود و پس از آن که وی نزد والی

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَجْلُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ فَحْمِلًا إِلَى الْوَالِيِّ وَجَاءَهُ قَوْمٌ فَشَهِدُوا عَلَيْهِ الشُّهُودُ أَنَّهُ قَتَلَهُ عَمْدًا فَدَفَعَ الْوَالِيُّ الْقَاتِلَ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْمَقْتُولِ لِيُقَادَ بِهِ فَلَمْ يَرْتَمُوا حَتَّى آتَاهُمْ رَجُلٌ فَأَقْرَعَ عِنْدَ الْوَالِيِّ أَنَّهُ قَتَلَ صَاحِبَهُمْ عَمْدًا وَأَنَّ هَذَا الرَّجُلَ الَّذِي شَهِدَ عَلَيْهِ الشُّهُودُ بَرِيءٌ مِنْ قَتْلِ صَاحِبِكُمْ فَلَا تَقْتُلُوهُ بِهِ وَخُذُونِي بِدَمِهِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِنْ أَرَادَ أَوْلِيَاءُ الْمَقْتُولِ أَنْ يَقْتُلُوا الَّذِي أَقْرَعَ عَلَى نَفْسِهِ فَلْيَقْتُلُوهُ وَكَأَنَّ سَبِيلَ لَهُمْ عَلَى الْآخِرِ ثُمَّ لَا سَبِيلَ لَوَرْتَةِ الَّذِي أَقْرَعَ عَلَى نَفْسِهِ عَلَى وَرْتَةِ الَّذِي شَهِدَ عَلَيْهِ وَإِنْ أَرَادُوا أَنْ يَقْتُلُوا الَّذِي شَهِدَ عَلَيْهِ فَلْيَقْتُلُوهُ وَكَأَنَّ سَبِيلَ لَهُمْ عَلَى الَّذِي أَقْرَعَ ثُمَّ لِيُؤَدَّ الدِّيَةَ الَّذِي أَقْرَعَ عَلَى نَفْسِهِ إِلَى أَوْلِيَاءِ الَّذِي شَهِدَ عَلَيْهِ نِصْفَ الدِّيَةِ خَاصَّةً دُونَ صَاحِبِهِ ثُمَّ يَقْتُلُونَهُمَا قُلْتُ إِنْ أَرَادُوا أَنْ يَأْخُذُوا الدِّيَةَ قَالَ فَقَالَ الدِّيَةُ بَيْنَهُمَا نِصْفَانِ لِأَنَّ أَحَدَهُمَا أَقْرَعَ وَالْآخَرَ شَهِدَ عَلَيْهِ قُلْتُ كَيْفَ جَعَلْتَ لِأَوْلِيَاءِ الَّذِي شَهِدَ عَلَيْهِ عَلَى الَّذِي أَقْرَعَ عَلَى نَفْسِهِ نِصْفَ الدِّيَةِ حِينَ قَتَلَ وَ

برده می‌شود، قومی نزد والی می‌آیند و شهود علیه آن مرد شهادت می‌دهند که مرتکب قتل عمدی شده است. والی، قاتل را به اولیای مقتول تحویل می‌دهد که قصاص اجرا شود. پس از این، مردی به نزد اولیای مقتول می‌رود و نزد والی اقرار می‌کند که خودش مقتول را به طور عمدی کشته است و مشهود علیه، از قتل بری است؛ او را قصاص نکنید و مرا در برابر خون مقتول بگیرید. امام باقر^(ع) می‌فرماید: اگر اولیای مقتول خواهان قصاص مقرر باشند، او را قصاص می‌کنند و آنان بر مشهود علیه هیچ راهی ندارند و ورثه مقرر نیز راهی بر ورثه مشهود علیه ندارند. چنانچه اولیای مقتول بخواهند که مشهود علیه را قصاص کنند، مشهود علیه را قصاص می‌کنند و اولیای مقتول هیچ راهی بر شخص مقرر ندارند و شخص مقرر باید نصف دیه را به اولیای مشهود علیه پرداخت نماید. راوی در ادامه این پرسش را مطرح می‌کند: اگر اولیای مقتول، هم قصاص مشهود علیه و هم قصاص مقرر را بخواهند نظر شما چیست؟ امام باقر^(ع) می‌فرماید: قصاص مشهود علیه و مقرر برای اولیای مقتول جایز است و آنان باید نصف دیه را فقط به اولیای مشهود علیه پرداخت کنند و دیه‌ای به شخص مقرر پرداخت نمی‌شود و سپس مشهود علیه و مقرر را قصاص می‌کنند. راوی به امام باقر^(ع) عرض می‌کند: اگر اولیای مقتول بخواهند که دیه بگیرند [حکم چیست]؟ امام^(ع) می‌فرماید: هر یک از مشهود علیه و مقرر نصف دیه را پرداخت می‌کنند؛ زیرا یکی از آنان به قتل عمدی اقرار کرده است و شاهدان علیه شخص دیگر به قتل عمدی شهادت داده‌اند. همچنین، راوی این پرسش را نیز مطرح می‌کند: چگونه است که مقرر باید نصف دیه را در هنگام قصاص به اولیای مشهود علیه پرداخت نماید و اولیای مشهود علیه نصف دیه را به اولیای مقرر پرداخت نمی‌کنند و قصاص

لَمْ تُجْعَلْ لِأَوْلِيَاءِ الْاَذَى اَقْرَ عَلَى اَوْلِيَاءِ الْاَذَى شُهْدَ عَلَيْهِ وَ لَمْ يُقْتَلْ قَالَ فَقَالَ لَانَ الْاَذَى شُهْدَ عَلَيْهِ لَيْسَ مِثْلَ الْاَذَى اَقْرَ الْاَذَى شُهْدَ عَلَيْهِ لَمْ يُقْرَ وَ لَمْ يُبْرَأْ صَاحِبَهُ وَ الْاٰخِرُ اَقْرَ وَ اَبْرَأَ صَاحِبَهُ فَلَزِمَ الْاَذَى اَقْرَ وَ اَبْرَأَ صَاحِبَهُ مَا لَمْ يَلْزِمَ الْاَذَى شُهْدَ عَلَيْهِ وَ لَمْ يُقْرَ وَ لَمْ يُبْرَأْ صَاحِبَهُ» (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۷: ۲۹۰).

نمی‌شود؟ امام باقر^(ع) در پاسخ به این پرسش راوی می‌فرماید: مشهود^{دعیه} مانند مقرر نیست، شخص مشهود^{دعیه} اقرار نکرده است و طرف دیگر [مقرر] را نیز بری ننموده است و مقرر به قتل عمدی اقرار کرده است و مشهود^{دعیه} را نیز بری نموده است. از این رو، شخصی که اقرار کرده و طرف دیگر را نیز بری نموده است ملزم می‌شود به آنچه شخص مشهود^{دعیه} ملزم نشده و اقرار نکرده و طرف دیگر را نیز بری ننموده است.

پس از شناخت دلالت روایت زراره ضروری است که به این پرسش پاسخ داده شود که آیا روایت مرجع این پژوهش جزء روایات معتبر برای استنباط احکام شرعی به شمار می‌آید یا خیر؟ برای ارائه جواب واضح به این پرسش مراجعه به دیدگاه‌های فقها اجتناب‌ناپذیر است. حسب بررسی صورت گرفته بدون هیچ اختلاف نظری روایت زراره از امام باقر^(ع) «صحیح» دانسته شده است (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۱۲۱؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۴۱۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹: ۳۱۶؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۱۷۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲: ۲۲۳).

مراجعه به منابع فقهی بیانگر آن است که تعبیرهای «الروایة من المشاهیر» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۰۶؛ محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۲۹۸)؛ یا «مشهوره بین الأصحاب» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵: ۱۹۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۴۷۴) یا «فی الروایة المشهوره» (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲۱۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۶۱۵؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۱۷۴) یا «من المشاهیر بین الأصحاب» (اسدی حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۲۰۷) نسبت به روایت زراره در بین فقها وجود دارد که نقش آفرینی آن را در مسئله مذکور را به اثبات می‌رساند. در این راستا از یک سو، گفته شده است که منظور از شهرت روایت آن است که عمل به روایت مشهور است (عاملی، بی تا، ج ۱۱: ۴۹) و بعد شهرت عملی آن برجسته است. از سوی دیگر، این مطلب نیز وجود دارد که شهرت روایت بین فقها از منظر روایی و عملی است

(شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۴۶۳). برخی دیگر نیز بر این عقیده‌اند که عمل به روایت مشهور است یا روایت مشهوری است که در کتب استدلالی ذکر شده است (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۱۷۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲: ۲۲۵).

با توجه به مطالبی که گفته شد، «سند صحیح» و «مشهور بودن» دو ویژگی برجسته روایت زراره از امام باقر^(ع) است.

۳. دیدگاه‌های فقها

فقیهان در خصوص تعارض بین بینه و اقرار در قتل عمدی آرای مختلفی را ارائه داده‌اند. یک دسته از نظرات دلالت بر تجویز قصاص دارد و در دسته دیگر قصاص مجاز دانسته نشده است. بررسی نگرش فقیهان در هر دو دسته نسبت به روایت زراره ضرورت دارد؛ زیرا روایت مذکور از لحاظ سندی غیرقابل مناقشه است و رویکرد فقیهان نسبت به احکام مندرج در روایت مذکور به گونه‌ای است که یا با آن احکام موافقت نموده یا مخالفت کرده‌اند و دو نگرش ایجابی و سلبی مشاهده می‌شود. بر این اساس، در ادامه ابتدا نظریه‌های مخالف با فتوای امام خمینی بیان می‌شوند و سپس نظر امام خمینی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱ دیدگاه ناظر بر جواز قصاص

هرچند برخی از فقیهان با قصاص موافقت اما رویکرد آنان در چند دسته جای می‌گیرد که در ادامه با تفصیل بیشتر به آن پرداخته می‌شود:

۳-۱-۱ قصاص مشهود علیه، قصاص مقر، قصاص آنان به صورت توأمان

رویکرد برخی از فقها عیناً با روایت زراره هماهنگ است و به‌طور کامل از گزاره‌های روایت تبعیت نموده‌اند. در این زمینه، شیخ طوسی ابتدا اشاره می‌کند که اولیای مقتول نسبت به

قصاص کردن هر یک از مشهودّعلیه یا مقرر مخیرند: اگر بیّنه علیه مردی اقامه شود که مردی را عمدأً به قتل رسانده است و مرد دیگری اقرار کند که مقتول را عمدأً کشته است، اولیای مقتول در قصاص هر یک از مشهودّعلیه و مقرر مخیرند. چنانچه مشهودّعلیه را قصاص کنند، بر مقرر راهی ندارند و اولیای مشهودّعلیه برای نصف دیه به مقرر رجوع می‌کنند و اگر اولیای مقتول خواهان قصاص مقرر باشند، او را قصاص می‌کنند و بر مشهودّعلیه راهی ندارند و اولیای مقرر نیز بر مشهودّعلیه راهی ندارند. شیخ طوسی بعد از بیان حکم تخیر به فرضی می‌پردازد که اولیای مقتول خواهان قصاص هر دو نفر مشهودّعلیه و مقرر با هم باشند: اگر اولیای مقتول قصاص هر دو نفر را مطالبه نمایند، آنان را با هم قصاص می‌کنند و به اولیای مشهودّعلیه نصف دیه رد می‌شود و چیزی بیش از نصف دیه برای آنان ثابت نیست. شیخ طوسی در پایان نیز بحث مطالبه دیه را مطرح می‌کند که هر یک از مشهودّعلیه و مقرر باید نصف دیه را پرداخت نمایند (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق: ۷۴۳). همان‌طور که مشاهده می‌شود نظر شیخ طوسی مشتمل بر تمامی احکامی است که در روایت زراره مطرح شده‌اند و شیخ طوسی با آنها موافق است و هیچ کدام از آنها را نفی نمی‌کند. افزون بر این، قاضی طرابلسی نیز دقیقاً مشابه روایت زراره فتوا داده است و با احکام مندرج در روایت مذکور مخالفتی ندارد (طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۵۰۲).

در روایت زراره این نکته مشاهده می‌شود که اقرارکننده مشهودّعلیه را از قتل بری می‌داند. این نکته موجب شده است که نگرش برخی از فقیهان مشتمل بر تفصیل باشد و آنان در فرضی که اقرارکننده مشهودّعلیه را از قتل بری نمی‌داند به این دیدگاه قائل شوند که مشهودّعلیه و اقرارکننده شریک در قتل عمدی می‌باشند و چنانچه بری از قتل بدانند، دقیقاً مشابه روایت زراره فتوا داده‌اند (حلبی، ۱۴۰۳ق: ۳۸۷؛ سبزواری، ۱۴۲۱ق: ۵۵۶؛ کیدری، ۱۴۱۶ق: ۴۹۴). برخی از فقها، فقط به فرض بری بودن مشهودّعلیه اشاره کرده و عیناً

گزاره‌های روایت زراره را نقل نموده اما دربارهی فرض عدم تبرئه مشهودعلیه سکوت بر گزیده‌اند (ابن سعید حلّی، ۱۴۰۵ق: ۵۷۸).

برخی از فقهای معاصر نیز به این دیدگاه قائل بوده و بر این عقیده‌اند که چه احتمال شرکت در قتل وجود داشته باشد و چه شرکت در قتل منتفی باشد، در هر دو صورت حکم یکسان است (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶: ۸۹؛ روحانی، بی‌تا، ج ۳: ۳۳۷). حکم آن است که قصاص مقر، قصاص مشهودعلیه، اخذ دیه به‌طور تنصیف، قصاص هر دو نفر آنان جایز است. آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی در استفتائی به صحیح بودن روایت زراره و فتوای مشهور بر طبق آن اشاره می‌کند و تصریح می‌کند که این «مسئله بر طبق نص است» (مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه، ۱۳۹۷، سؤال ۳۲۴).

دیدگاه مورد بحث به مشهور نسبت داده شده است (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶: ۸۹؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۱۲۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، سؤال ۳۲۴) و حتی تعبیر «هو المشهور قطعاً» نیز گفته شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲: ۲۲۳). این انتساب و همچنین گزارشی که از نظرات فقها بیان شد، بر این نکته مهم دلالت می‌کند که اعراض از روایت زراره، امری نیست که قاطبۀ فقیهان با آن موافق باشند، بلکه فقهای متقدم، متأخر و معاصر به آن تمسک کرده‌اند و بر طبق آن فتوا داده‌اند. هر چند که تمسک به روایت زراره در بین فقهای متقدم محسوس‌تر از فقهای متأخر و معاصر است. در این زمینه، بیان این نکته خالی از فایده نیست که سیوری حلّی عبارت «عمل بها الشیخان و أتباعهما» (سیوری حلّی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۴۳۶) را در خصوص عمل به روایت زراره به کار می‌برد و این نشان می‌دهد که شیخ مفید نیز به این روایت عمل کرده است. برخی از فقها به این نکته اشاره کرده‌اند (عاملی، بی‌تا، ج ۱۱: ۴۹)؛ بنابراین، احراز شد که نگرش برخی از فقها به گونه‌ای نیست که از مؤدای روایت زراره دست کشیده شده باشد و این روایت به‌عنوان مستند این دیدگاه قابل طرح است.

۲-۱-۳. فقط جواز قصاص یک نفر

در رویکرد قبلی این نکته محوری وجود داشت که ولی دم از یک سو بین قصاص هر یک از مشهودّعلیه و مقرر مخیر است و از سوی دیگر، قصاص هر دو نفر مشهودّعلیه و مقرر با هم نیز جایز است. با این حال، طبق نگرش دیگری که بین فقها وجود دارد در موضوع تعارض بین بینة و اقرار در قتل عمدی فقط امکان قصاص یک نفر از مشهودّعلیه یا اقرارکننده وجود دارد. این نگرش به سه صورت جلوه گر شده است:

الف. قصاص یک نفر بر مبنای تخییر ولی دم

پیشتر مشخص شد که فتوای برخی از فقیهان با روایت زراره هماهنگ است و این روایت نصب العین آنان واقع شده است و روایت زراره تنها دلیلی است که به آن تمسک جسته‌اند. با این حال، گروهی از فقها در این مسئله بر اساس روایت زراره فتوا نداده‌اند و حسب مورد با یک یا چند مورد از احکام مندرج در آن مخالفت کرده‌اند. به عنوان مثال؛ یکی از احکامی که در روایت زراره وجود دارد آن است که قصاص مقرر و مشهودّعلیه برای ولی دم جایز است. ابن ادریس حلی ابتدا تصریح می‌کند که نسبت به قصاص مقرر و مشهودّعلیه با هم نظر دارد؛ زیرا قصاص دو نفر آنان در موضعی قابل پذیرش است که وقوع قتل به صورت انفرادی نبوده و آنان شریک در قتل باشند، حال آن که در موضوع مورد بحث این گونه نیست و قتل به صورت انفرادی واقع شده است. سپس این طور می‌آورد که «أولی» آن است که اگر اولیای مقتول خواهان قصاص هر دو نفر هستند، یک دیه کامل را برگردانند؛ به شرط آن که ثابت شود که مشهودّعلیه و اقرارکننده هر دو قاتل هستند. در موضوع مورد بحث به خبر واحد رجوع نمی‌شود. همچنین، در ادامه بیان می‌کند که این حکم مربوط به فرض اشتراک در قتل است و اگر شرکت در قتل وجود نداشته باشد، ولی مقتول بین قصاص مشهودّعلیه یا اقرارکننده مخیر است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۳۴۳-۳۴۲). از این رو، قصاص

مشهودعلیه و مقر به طور توأمان جایز نیست و فقط یکی از آنان قابل قصاص هستند و شخص مذکور بر مبنای انتخاب ولی دم مقتول تعیین می‌شود.

محقق حلی در موضعی ابتدا گزاره‌های روایت زراره [قصاص مشهودعلیه، قصاص اقرارکننده، اخذ دیه به طور تنصیف، قصاص مشهودعلیه و مقر] را بیان می‌کند. سپس، تصریح می‌کند که به دلیل آن که علم به شرکت در قتل منتفی است، قصاص مشهودعلیه و مقر با هم اشکال دارد. همچنین اخذ دیه به طور تنصیف نیز دارای اشکال است. ایشان در پایان اشاره می‌کند که روایت زراره جزء روایت‌های مشهور به شمار می‌آید (محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۲۹۸). محقق حلی در موضع دیگری ضمن اشاره به نکات مورد مذکور می‌افزاید: قول به تخیر ولی مقتول نسبت به قصاص یکی از مشهودعلیه یا مقر، «وجهی قوی» تلقی می‌شود جز آن که روایت زراره، روایتی مشهور است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۰۶). اصولاً جنایت قتل عمدی یا به طور انفرادی واقع می‌شود و قاتل فقط یک نفر است یا آن که چند نفر در قتل عمدی شرکت دارند و قاتل چند نفر است. قصاص مشهودعلیه و مقر به طور توأمان و اخذ دیه از آنان به طور تنصیف زمانی قابل پذیرش است که شرکت در قتل عمدی صدق کند. از این رو، اگر قتل عمدی به صورت انفرادی واقع شود، قصاص دو نفر یا اخذ دیه از دو نفر صحیح نیست. همان طور که برخی از فقیهان اشاره کرده‌اند، دلیل دو اشکال مطرح شده توسط محقق حلی انتفای شرکت در قتل است؛ زیرا قاتل فقط یکی از دو نفر مشهودعلیه یا مقر است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵: ۱۹۴؛ طباطبایی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۴۳۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶: ۲۷۱).

نگرش علامه حلی در قواعد الاحکام به رویکرد محقق حلی شبیه است و تصریح می‌کند که ولی دم در قصاص هر یک از مشهودعلیه یا اقرارکننده مخیر است. وی در ادامه به احکام مندرج در روایت زراره اشاره می‌کند و قصاص مشهودعلیه و مقر و همچنین اخذ دیه از آنان

به طور تنصیف را دارای اشکال می‌داند (عَلَّامه حَلّی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۶۱۵). شارحان کتاب مذکور این طور بیان کرده‌اند که اشکال عَلَّامه حَلّی از این جهت است که از یک سو، بینه و اقرار ناظر به وقوع قتل به طور انفرادی است [و این اقتضا دارد که قصاص مشهودْعلیه و مقر با هم جایز نباشد و همچنین اخذ دیه به طور تنصیف نیز جایز نباشد] و از طرف دیگر، روایت زراره وجود دارد [که در این روایت، قصاص مشهودْعلیه و مقر با هم و پرداخت دیه به طور مساوی از طرف آنان جایز دانسته شده است] (عمیدی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۷۰۹. همچنین بنگرید به: فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱: ۱۲۳؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۴: ۶۱۰-۶۰۹). علاوه بر کتاب مذکور، باید دانست با آن که عَلَّامه حَلّی در **إرشاد الأذهان** تخییر ولی دم را به صورت «یحتمل» مطرح می‌کند (عَلَّامه حَلّی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲۱۶) اما تعابیر «أقرب» در **تحریر الأحکام** (عَلَّامه حَلّی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۴۷۴) و «الوجه عندی» در موضعی از **مختلف الشیعه** (عَلَّامه حَلّی، ۱۴۱۳ق، ج ۶: ۵۶) نسبت به تخییر ولی دم نشان می‌دهد که این رویکرد با اقبال عَلَّامه حَلّی مواجه است و حتّی در موضعی نیز تعبیر «لابأس» را نسبت به دیدگاه ابن ادریس حَلّی می‌آورد (عَلَّامه حَلّی، ۱۴۱۳ق، ج ۹: ۳۱۶) که برتری این دیدگاه را نسبت به نظر رقیب از سوی عَلَّامه حَلّی را نمایان می‌کند.

فیض کاشانی فقیه دیگری است که تمایل وی به نظر ابن ادریس حَلّی مشهود است و این دیدگاه را دارای قوّت می‌داند (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲: ۱۲۱). در هر حال، فقیهان دیگری نیز با تخییر ولی دم در قصاص مشهودْعلیه یا مقر موافق هستند (اسدی حَلّی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۲۰۸؛ اسدی حَلّی، ۱۴۱۰ق: ۴۳۲؛ فخر المحققین حَلّی، ۱۳۸۷ق، ج ۴: ۶۱۰) اما آنچه که بیش از هر چیزی اهمیت دارد آن است که تمسّک به مضمون روایت به دلیل مخالفت روایت با قواعد مورد اشکال واقع شده است؛ زیرا جواز قصاص مشهودْعلیه و مقر با هم به دلیل

منتفی بودن شرکت در قتل مشکل است. همچنین الزام آنان به نصف دیه نیز مشکل است (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۷: ۲۴۷).

افزون بر آنچه بیان شد، بر اساس نظر برخی از فقها در موضوع تعارض بین بینه و اقرار در قتل عمدی، قصاص مشهود علیّه و مقر با هم خلاف احتیاط است و قصاص یکی از آنان به تنهایی موافق احتیاط است. در این باره، این گونه بیان شده است: این مسئله خالی از شبهه نیست؛ از این رو، «أحوط» آن است که در این مسئله به قصاص یکی از مشهود علیّه یا اقرار کننده اکتفا شود؛ زیرا قصاص یکی از آنان بر حسب فتوی و روایت مورد اختلاف نیست (طباطبایی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۴۳۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶: ۲۷۲). در واقع، در رویکرد مورد بحث صرفاً قسمتی از روایت زراره مورد پذیرش واقع شده است که مطابق با احتیاط باشد. این قسمت همان جایی است که ولی دم فقط مشهود علیّه یا اقرار کننده را برای قصاص برمی گزیند؛ بنابراین، آن قسمت از روایت زراره که ناظر بر جواز قصاص مشهود علیّه و اقرار کننده به صورت توأمان است، خلاف احتیاط است و باید از آن چشم پوشی نمود.

ب. قصاص مقر

طبق نظر برخی از فقیهان در مسئله این پژوهش، اقرار کننده قصاص می شود و قصاص مشهود علیّه جایز نیست. جواز قصاص اقرار کننده در پرتو دو نگرش «اخذ اقرار از سوی عقلاء» و «اقوی بودن اقرار از بینه» قابل بررسی است:

اول. اخذ اقرار از سوی عقلاء

به اعتقاد برخی از فقها بر اساس بنای عقلاء، اقرار کننده قصاص می شود. در این زمینه، آیت الله خوئی این مسئله را این گونه مورد بررسی قرار داده است:

الف. اولیای مقتول از کذب اقرار یا بینه آگاه می باشند. ب. احتمال اشتراک در قتل وجود دارد. پ. اجمالاً عدم شرکت در قتل معلوم می باشد و قاتل یک نفر است. روایت زراره

صورت اول را در بر نمی‌گیرد. قاعده اقتضا دارد که قصاص مقرر و مشهود علیه هر دو جایز باشد (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۱۲۲-۱۲۱). آیت‌الله خویی در فرض سوم دیدگاه مشهور مبنی بر جواز قصاص هر دو نفر و دیدگاه تخییر ولی‌دم در قصاص یکی از مشهود علیه و مقرر را نمی‌پذیرد و درباره فرض سوم بر این عقیده است که مقرر قصاص می‌شود یا با تراضی از وی دیه گرفته می‌شود؛ زیرا روایت زراره بر فرض اشتراک در قتل حمل می‌شود و باید از اطلاق آن رفع ید کرد. ایشان در نقد دیدگاه تخییر نیز بر این باور است که دیدگاه مذکور به دلیل نیاز دارد. اگر دو حجّت متعارض وجود داشته باشد و عمل به آنها امکان‌پذیر نباشد، اصل تساقط وجود دارد نه آن که تخییر جاری شود. نکته دیگر آن که موضوع مورد بحث جزء موارد تعارض به شمار نمی‌آید؛ زیرا ظاهر آن است که در چنین مواردی بنای عقلاء مبتنی بر اخذ اقرار و عدم ترتیب اثر به بینه می‌باشد (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۱۲۳-۱۲۲).^۱ جواز قصاص اقرارکننده مبتنی بر تمسک به بنای عقلاء مورد پذیرش برخی دیگر از فقها نیز قرار گرفته است (کابلی، بی تا، ج ۳: ۳۵۷).

همان‌طور که مشاهده می‌شود عبارات آیت‌الله خویی شامل دو قسمت است: اولاً به سایر دیدگاه‌ها پاسخ داده می‌شود و روایت زراره را به‌عنوان مستند دیدگاه مشهور نمی‌پذیرد و این روایت به فرض اشتراک در قتل عمدی منصرف می‌داند، حال آن که دیدگاه مشهور درباره اشتراک در قتل عمدی نیست. از این رو، باید بین موضوع روایت و دیدگاه مشهور یکسانی صدق کند تا بتوان روایت زراره را دلیلی تام و قابل استناد برای آن دیدگاه به شمار آورد. همچنین در خصوص دیدگاه تخییر ولی‌دم در قصاص مشهود علیه یا مقرر این پاسخ را بیان می‌کند که اگر بینه و اقرار دو حجّت معتبر تلقی شوند، اصل آن است که به هیچ‌یک از

۱. برای مشاهده نقدها و اشکالات مطرح شده نسبت به این دیدگاه بنگرید به: خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۷: ۲۴۸-۲۴۷؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶: ۹۲-۹۱.

آن‌ها ترتیب اثر داده نمی‌شود و به‌طور یکسان با آن‌ها برخورد می‌شود، نه این‌که یکی بر دیگری مقدم شود؛ ثانیاً این‌که در گفتمان آیت‌الله خوئی صرف نقد و مناقشه دیدگاه‌های رقیب برای اثبات نظر خود کفایت نمی‌کند، بلکه باید دلیل مستقل برای فتوای خود ارائه داد و دلیل مذکور عبارت است از بنای عقلاء.

دوم. اقوی بودن اقرار از بیّنه

نگرش دوم مبنی بر قصاص مقرر حاوی دو بخش است: بخش نخست ناظر بر این است که چه پاسخی باید به روایت زراره داده شود. در این باره، آمده است: با این‌که گروهی از فقها به روایت زراره عمل کرده‌اند اما از آنجا که این روایت با قواعد و اصول مخالفت دارد، عمل به روایت مذکور از جهات گوناگون جداً مشکل است. به‌ویژه در باب دماء که نباید احتیاط ترک شود. بخش دیگر ناظر به چرایی اخذ اقرار و در نتیجه قصاص مقرر است: اگر فقط مورد روایت پذیرفته شود، تعدی از مورد روایت جایز نیست، بلکه واجب است که به اقرار عمل شود و بیّنه ترک شود؛ زیرا اقرار «اقوی» از بیّنه است (شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۷۵).

۲-۳. دیدگاه ناظر بر عدم جواز قصاص

با آن‌که برخی از فقها به جواز قصاص روی آورده‌اند اما نگرش مخالفی نیز وجود دارد بر عدم جواز قصاص دلالت دارد. در این راستا، برخی از فقها طبق نگرش برخی از فقها در موضوع مورد بحث این پژوهش قاعده درأ در قصاص نیز اجرایی می‌شود و به دلیل درء حدود با شبهات اقدام به قصاص جایز نیست (مدنی کاشانی، ۱۴۱۰ق: ۱۲۴). امام خمینی نیز فقیه دیگری با دیدگاه عدم جواز قصاص موافق است. توضیح بیشتر آن‌که تفاوت ویژه‌ای که نظر امام خمینی با دیدگاه‌های سایر فقها دارد آن است که بر طبق نظر معظم‌له اساساً

قصاص مشهود علیه یا اقرارکننده جایز نیست، حال آن که سایر فقیهان حسب مورد قصاص یکی از آنان یا قصاص هر دو نفر را بر طبق مبنای خود پذیرفته‌اند. برای اطلاع از زوایای دیدگاه امام خمینی بیان عبارات ایشان خالی از فایده نیست. در این زمینه، نظر امام خمینی در موضوع مورد بحث شامل دو جزء است: در جزء اول مضمون روایت زراره بیان می‌شود. از آنجا که پیش از این به‌طور مستقل و مفصل به روایت زراره پرداخته شد، در اینجا از بیان مجدد مضمون آن اجتناب می‌شود. امام خمینی پس از بیان مضمون روایت زراره در جزء دوم عباراتشان می‌نویسد: این مسئله [شهادت و اقرار] جداً مسئله مشکلی به شمار می‌آید. احتیاط در این مسئله واجب است و همچنین عدم تهجم بر قصاص مشهود علیه و مقرر نیز در این مسئله واجب است (امام خمینی، ۱۴۳۴، ج ۲: ۵۶۲).^۱

با توجه به عباراتی که بیان شد، امام خمینی در مسئله تعارض بین بینه و اقرار در قتل عمدی روایت زراره و همچنین رویکرد فقها را نسبت به آن مورد بررسی قرار داده است و سپس، به این جمع‌بندی رسیده است که در خصوص قصاص مشهود علیه یا مقرر تمسک جستن به روایت زراره تمسک غیرقابل‌پذیرش است و بر اساس مبنایی که اتخاذ کرده است، قصاص آنان مطلقاً جایز نمی‌داند. از این رو، وجه بنیادین نظر فقهی امام خمینی آن است که از روایت زراره اعراض شده است.

^۱ «لو شهدا بأنه قتل عمدا فأقر آخر أنه هو القاتل و أن المشهود عليه برىء من قتله ففى رواية صحيحة معمول بها إن أراد أولياء المقتول أن يقتلوا الذى أقر على نفسه فليقتلوه و لا سبيل لهم على الآخر، ثم لا سبيل لورثة الذى أقر على نفسه على ورثة الذى شهد عليه و إن أرادوا أن يقتلوا الذى شهد عليه فليقتلوه و لا سبيل لهم على الذى أقر، ثم ليؤد الذى أقر على نفسه إلى أولياء الذى شهد عليه نصف الدية و إن أرادوا أن يقتلوهما جميعا ذاك لهم و عليهم أن يدفعوا إلى أولياء الذى شهد عليه نصف الدية خاصا دون صاحبه ثم يقتلوهما و إن أرادوا أن يأخذوا الدية فهو بينهما نصفان و المسألة مشكلة جدا يجب الاحتياط فيها و عدم التهجم على قتلها.»

۴. جایگاه رویکرد فقهی در اندیشه سیاسی امام خمینی

تشریح و برجسته شدن «اصل حرمت دماء» در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی مستلزم آن است که در چند مطلب جداگانه به آن پرداخته شود که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۴-۱. احراز ارتباط مبانی فقهی با اندیشه سیاسی

پیش از بررسی جایگاه حرمت جان مسلمان در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی باید این نکته اثبات شود که آیا مبانی فقهی امام خمینی در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی ایشان تأثیرگذار بوده‌اند یا خیر؟ پاسخ به این پرسش مثبت است؛ زیرا «مبانی فقهی و اصولی امام خمینی، یکی از عوامل مهم اثرگذار در اندیشه سیاسی ایشان است؛ تا آنجا که بدون شناخت این مبانی نمی‌توان اندیشه سیاسی امام را به نیکی دریافت. فقه سیاسی و اندیشه سیاسی امام خمینی مبتنی بر نگرش فقهی و اصولی ایشان است که خود متأثر از دیدگاه عقل‌گرایانه اصولیون می‌باشد» (فوزی، ۱۳۹۹: ۸۶). اهمیت تأثیرگذاری فقه بر اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی به گونه‌ای است که حتی از آن به‌عنوان «وجه غالب اندیشه سیاسی امام خمینی یاد شده است (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۰۲-۲۰۱).

افزون بر آنچه که نقل شد، در مورد نگاه امام خمینی به فقه این‌طور بیان شده است: «نگاه امام به فقه، یک نگاه سیاسی و حکومتی و کلی است نه یک نگاه صغروی و جزئی و فرعی» (ربانی، ۱۳۹۷: ۴۲). این عبارت نشان می‌دهد که نگرش سیاسی به فقه جزء ویژگی‌های مورد توجه امام خمینی است؛ بنابراین در کلیت این مطلب تردیدی وجود ندارد که نقش فقه در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی موضوعی قابل توجه بوده است و اهمیت شایان توجهی دارد.

۲-۴. احراز اصل حرمت جان مسلمان به عنوان یکی از اصول اندیشه سیاسی امام خمینی

اندیشه سیاسی امام خمینی اصول و قواعد متعددی را شامل می‌شود که از جمله آن‌ها «حرمت جان مسلمان» است (لک‌زایی، ۱۳۹۴: ۲۵۳-۲۵۲). وقتی از «حرمت جان مسلمان» به عنوان یک اصل یاد می‌شود ضرورت دارد که به این مهم توجه شود که در هر موردی که عدول از اصل یادشده ضروری باشد باید بر مبنای دلیلی اقدام شود که عاری از هرگونه تردید و شک است. به بیان دیگر، تجویز مجازات قصاص آنگاه مقبول می‌افتد که دقیقاً این مسئله احراز شود که موضوع قصاص امری یقینی و متیقن است و اگر تعارض بین و اقرار عاملی برای عدم شناخت دقیق موضوع قصاص به شمار آید، نمی‌توان از مفاد اصل مذکور عدول نمود؛ بنابراین، اصل یادشده عاملی بازدارنده تلقی می‌شود که حیات اشخاص مصون باقی بماند. با توجه به آنچه مطرح شد، حال بایسته است که خاستگاه اصل مورد اشاره در آرای فقهی امام خمینی شناسایی شود که با بررسی عبارات امام خمینی در *تحریر الوسیله* مشخص شود که نظر ایشان در مسئله تعارض بین شرعی و اقرار در قتل عمدی به گونه‌ای است که مجازات قصاص را جایز نمی‌دانند و این نظر یادشده در راستای تقدم احتیاط در دماء بر روایت زراره است و بر اساس نظر امام خمینی نسبت به روا بودن قصاص در مسئله مذکور تردید وجود دارد و فتوا دادن به قصاص امکان‌پذیر نیست.

۳-۴. چگونگی کاربرد رویکرد امام خمینی در موضوع تعارض بین و اقرار در قتل عمدی در اندیشه

سیاسی

پیشتر به این نکته اشاره شد که نگاه امام خمینی به فقه در بردارنده نگاه سیاسی و حکومتی است. این مطلب بیان‌گر آن است که ایشان دقیقاً به اجرا و اعمال شدن احکام فقهی می‌اندیشیدند و فقط به مقوله «تدوین فقه» اهتمام نورزیده‌اند، بلکه این نکته مدنظر ایشان واقع

شده است که اگر فقه جنبه اجرایی پیدا کند، باید به چه چیزهایی اهمیت داده شود. باید دانست که توجه به مقوله اجرای احکام فقهی در بحث‌های کیفی به مراتب متفاوت از سایر احکام فقهی است و موضوعی به شمار می‌آید که بیش از هر چیزی با اندیشه سیاسی می‌تواند مرتبط باشد. آن دسته از احکام فقهی که صورت احکام مجازات حدی و مجازات قصاص در منابع فقهی به‌طور کامل به آن‌ها پرداخته شده است، جزء احکامی به شمار می‌آیند که اجرای آن بر عهده حاکم است. تشکیل حکومت برای عملی شدن این قبیل احکام فقهی اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا مجازات سلب حیات یک‌سو، خطیر و از سوی دیگر، خطیر آفرین هستند؛ بنابراین، تشکیل حکومت لازم است که احکام مرتبط با مجازات‌ها بدون این که جفایی نسبت به کسی وارد شود، بی‌آن که تعرض و ستمی به شخصی وارد آید، اجرایی شوند.

آنچه در بحث تعارض بین و اقرار در قتل عمدی بیان شد، رکن محوری «احتیاط در دماء» را دربرداشت؛ بنابراین آنگاه که نوبت به اجرای احکام فقهی از سوی حکومت فرابرسد، نمی‌توان تصور نمود که به‌گونه‌ای عمل شود که برخلاف احتیاط در دماء باشد. احتیاط در دماء آنقدر اهمیت دارد که فقیهان در فروع متعددی به آن تمسک نموده‌اند که رویکرد امام خمینی در فرع تعارض بین و اقرار می‌تواند یکی از مضامین مهم تمسک به احتیاط در دماء به شمار آید. انضمام احتیاط در دماء در فرع مذکور به سایر مواردی که فقیهان بر ابتئای احتیاط در دماء به مجازاتی همچون قصاص فتوا نداده‌اند، به نوبه خود می‌تواند به‌عنوان یکی از معیارهای اثبات‌کننده اصل حرمت جان مسلمان باشد. از این رو، به نظر می‌رسد پیوند نگرش فقهی امام خمینی با اندیشه سیاسی ایشان این ویژگی مهم را در بطن خود نهفته دارد که اساساً باید «جان مردم» حفظ شود. دقیقاً آنچه در مسئله تعارض بین و اقرار در قتل عمدی مبنی بر احتیاط در دماء مورد تأکید امام خمینی واقع شده است،

این مهم را تأیید می‌کند. الزام به حکم فقهی مستلزم آن است که در اندیشه سیاسی نیز بر همان معیار پذیرفته شده در فقه حرکت شود، نمی‌توان این مطلب را تصدیق نمود که بین حکم فقهی و اندیشه سیاسی تفاوت وجود داشته باشد. اندیشه سیاسی که در قالب تشکیل حکومت عینیت پیدا می‌کند به حرمت جان مسلمان بها می‌دهد.

نتیجه‌گیری

۱. در خصوص روایت زراره از امام باقر^(ع) به عنوان منبع استنباط حکم شرعی در مسئله‌ی تعارض بین بینة و اقرار دو رویکرد عمده بین فقها در قتل عمدی وجود دارد. از یک سو، نوعی «تطابق کامل» بین مؤدای روایت مذکور و فتوای برخی از فقیهان وجود دارد که تطابق کامل به عنوان قول مشهور تلقی شده است؛ از سوی دیگر، نظرات دیگری بین فقها مشاهده می‌شود که تطابق کامل را نفی می‌کند و در پذیرش روایت مذکور نوعی تبعیض واقع شده است و بخشی از روایت محل استناد فقهای اخیر واقع شده است.

۲. نظر امام خمینی با هیچ کدام از رویکردهای مذکور هماهنگ نیست و به گونه‌ای است که با هیچ یک از احکام مندرج در روایت زراره در خصوص قصاص همراهی نمی‌کند و از این حیث از روایت زراره اعراض شده است.

۳. موضوع تعارض بین بینة و اقرار در قتل عمدی در چهارچوب نظر امام خمینی جزء مصادیقی است که عدم تهجم بر دماء صدق می‌کند. قائل شدن به «قصاص مشهود علیه»، «قصاص مقرر» و «قصاص مشهود علیه و مقرر هر دو با هم» در هر سه حالت مصداق تهجم بر دماء به شمار می‌آید؛ از این رو، ارائه جواز قصاص در هر سه حالت مورد اشاره در روایت زراره مصداق تهجم بر دماء است؛ بنابراین، وجه اعراض امام خمینی از روایت مذکور آن است که عدم تهجم بر دماء دلیلی به شمار می‌آید که بر این روایت مقدم می‌شود و اقتضا

دارد که از مضمون روایت زراره اعراض شود و روایت زراره در مقابل آن توان مقاومت ندارد.

۴. اثر اعراض از روایت زراره در فرایند اجتهاد امام خمینی آن است که دیدگاه ایشان با آرای سایر فقها از لحاظ مبنا تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته است. این تفاوت هم نسبت به دیدگاه‌هایی صدق می‌کند که حسب مورد قصاص مشهود علیّه یا قصاص مقر به تنهایی یا قصاص هر دوی آنان را با هم تجویز نموده‌اند و حال آن‌که امام خمینی در هیچ حالتی قصاص مشهود علیّه یا اقرارکننده را جایز نمی‌داند.

۵. رویکرد امام خمینی مبنی بر سقوط قصاص از مشهود علیّه و اقرارکننده در اندیشه سیاسی و تشکیل حکومت کاربرد دارد؛ زیرا اجرای احکام فقهی مرتبط با امور کیفری و به ویژه اجرای مجازات‌ها می‌تواند یکی از ادله‌ی تشکیل حکومت به شمار آید. حرمت دماء نیز از جمله احکام فقهی بسیار مهم است که عملی شدن دقیق آن مستلزم توجه به آن در اندیشه سیاسی است.

منابع

۱. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴ جلد.
۲. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۱ جلد.

۳. امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۳۴ق). تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۲ جلد.
۴. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی. (۱۴۰۹ق). الشرح الصغير فی شرح مختصر النافع - حدیقه المؤمنین، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۳ جلد.
۵. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (ط - الحدیثه)، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۶ جلد.
۶. حسینی، مریم السادات. (۱۳۹۲ش). اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۷. حلبی، ابو‌الصلاح، تقی‌الدین بن نجم‌الدین. (۱۴۰۳ق). الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین^(ع)، چاپ اول.
۸. حلّی، ابن‌ادریس، محمد بن منصور بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۳ جلد.
۹. حلّی، جمال‌الدین، احمد بن محمد اسدی. (۱۴۰۷ق). المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۵ جلد.
۱۰. _____ . (۱۴۱۰ق). المقتصر من شرح المختصر، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول.
۱۱. حلّی، فخر‌المحققین، محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷ق). إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ۴ جلد.

۱۲. حلی، مقداد بن عبد الله سیوری. (۱۴۰۴ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۴ جلد.
۱۳. حلی، یحیی بن سعید. (۱۴۰۵ق). الجامع للشرائع، قم: مؤسسة سید الشهداء العلمیة، چاپ اول.
۱۴. خانی، زهره و روزبهانی، فرزاد (۱۴۰۱). «ضرورت برابری در خون خواهی در فقه سیاسی با تأکید بر مبانی امام خمینی»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۳۳، صص ۳۳-۵۶.
۱۵. خوانساری، سید احمد بن یوسف. (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۷ جلد.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۲۲ق). مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخویی، چاپ اول، ۲ جلد.
۱۷. ربّانی، محمد حسن. (۱۳۹۷). سیر تطوّر فقه معاصر (مستحدث)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
۱۸. سبزواری، علی مؤمن قمی. (۱۴۲۱ق). جامع الخلاف و الوفاق، قم: زمینه سازان ظهور امام عصر(ع)، چاپ اول.
۱۹. شیرازی، سید صادق حسینی. (۱۴۲۵ق). التعليقات علی شرائع الإسلام، قم: انتشارات استقلال، چاپ ششم، ۲ جلد.
۲۰. شیرازی، ناصر مکارم. (۱۴۱۱ق). القواعد الفقهيّة (المکارم)، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین(ع)، چاپ سوم، ۲ جلد.
۲۱. طرابلسی، ابن براج؛ قاضی، عبدالعزیز. (۱۴۰۶ق). المهذب (لابن البراج)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۲ جلد.

۲۲. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى*، بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ دوم.
۲۳. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی. (بی تا). *مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة* (ط - القديمة)، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ۱۱ جلد.
۲۴. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۴ق). *غاية المراد في شرح نكت الإرشاد*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۴ جلد.
۲۵. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۵ جلد.
۲۶. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۰ق). *إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۲ جلد.
۲۷. _____ . (۱۴۱۳ق). *قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۳ جلد.
۲۸. _____ . (۱۴۱۳ق). *مختلف الشيعة في أحكام الشريعة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۹ جلد.
۲۹. _____ . (۱۴۲۰ق). *تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية* (ط - الحديثه). قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول، ۶ جلد.

۳۰. عمیدی، سید عمیدالدین بن محمد اعرج حسینی. (۱۴۱۶ق). *کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۳ جلد.
۳۱. فرهودی نیا، حسن. (۱۳۸۹). «تعارض بین و اقرار در جرم قتل عمد»، *نشریه فقه و حقوق اسلامی*، شماره اول، صص ۱۶۳-۱۷۴.
۳۲. فوزی، یحیی. (۱۳۹۹ش). *اندیشه سیاسی امام خمینی*. ویراست سوم، قم: دفتر نشر معارف، چاپ هفتم.
۳۳. قمی، سید صادق حسینی روحانی. (۱۴۱۲ق). *فقه الصادق علیه السلام (لروحانی)*، قم: دار الکتب، مدرسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۲۶ جلد.
۳۴. _____ . (بی تا). *منهاج الصالحین (لروحانی)*، بی جا: بی نا، بی جا، ۳ جلد.
۳۵. کابلی، محمد اسحاق فیاض. (بی تا). *منهاج الصالحین (للفیاض)*، بی جا: بی نا، بی جا، ۳ جلد.
۳۶. کاشانی، حاج آقا رضا مدنی. (۱۴۱۰ق). *کتاب القصاص للفقهاء و الخواص*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۳۷. کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی. (بی تا). *مفاتیح الشرائع*، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۲ جلد.
۳۸. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط - الإسلامية)*، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۸ جلد.
۳۹. کیدری، قطب الدین، محمد بن حسین. (۱۴۱۶ق). *إصباح الشیعة بمصباح الشریعة*، قم: مؤسسه امام صادق^(ع)، چاپ اول.

۴۰. لکزایی، نجف. (۱۳۹۴ش). اندیشه سیاسی امام خمینی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۴۱. محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۴ جلد.
۴۲. _____ . (۱۴۱۸ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیه، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة، چاپ ششم، ۲ جلد.
۴۳. مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه. (۱۳۹۷). نرم افزار گنجینه استفتانات قضایی.
۴۴. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۴۳ جلد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی